

## تأثیر دین‌داری در گرایش دختران به فرار از منزل

اکبر علیوردی‌نیا\*

فاطمه عیسی‌پور\*\*، محمدرضا حسینی\*\*\*

### چکیده

فرار از خانه از جمله رفتارهای ناسازگارانه‌ای است که از کودکان و نوجوانان سر می‌زند. بیشتر تحقیقات جامعه‌شناختی در این زمینه پیرامون مسائل خانوادگی بوده و از نقش دین‌داری و اعتقادات دینی که از اهمیت فراوانی برخوردار است، غفلت شده است. در پژوهش پیش رو، کوشش بر آن است تا با کمک اطلاعات تجربی به‌دست‌آمده از تحقیق و چهارچوب نظری مبتنی بر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، که دارای چهار بعد پیوستگی دینی، التزام دینی، مشارکت دینی، و باور دینی است به تبیین تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار از منزل پرداخته شود. روش پژوهش پیمایشی است و اطلاعات حاصل براساس ابزار پرسش‌نامه خوداجرا گردآوری شده است. جمعیت تحقیق مورد مطالعه همه دانش‌آموزان دبیرستانی بابلسر، در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، بوده که تعداد کل آن‌ها ۱۵۹۷ نفر است. از این تعداد، ۳۷۰ نفر براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی متناسب مطالعه شدند و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss و Lisrel تحلیل شد. نتایج داده‌ها حاکی از این است که از بین ابعاد دین‌داری بیشترین تأثیر متعلق در باور دینی و بعد از آن مشارکت دینی بوده است و دو بعد دیگر، یعنی پیوستگی دینی و التزام دینی، معنادار نبوده است. در کل، نتایج داده‌ها نشان داده است که مذهب می‌تواند، به‌منزله عامل حمایتی، تأثیرپذیری جوانان را از رفتارهای انحرافی کاهش دهد.

**کلیدواژه‌ها:** التزام دینی، باور دینی، پیوستگی دینی، دین‌داری، گرایش به فرار.

\* دانشیار جامعه‌شناسی انحرافات، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) aliverdinia@umz.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران fateme.Isapoor@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران mohammadreza.hasani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۱۷

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

فرار نوجوانان از خانه و ترک اعضای خانواده بدون اجازه والدین یا وصی قانونی نوعی انحراف اجتماعی محسوب می‌شود. بسیاری از نوجوانان حرکت و گذر از دوره نوجوانی به بزرگسالی را با موفقیت طی می‌کنند، اما جوانان فراری و بی‌خانمان، موانع سختی در مسیرشان تجربه کرده و درگیر رفتارهای پرخطری می‌شوند که هویت و اهداف بلندمدت‌شان را تهدید می‌کند (Kurtz et al., ۲۰۰۰: ۳۸۱). این افراد وقتی در خیابان‌اند، با خطرهای ایمنی و سلامتی بسیاری مواجه‌اند و سلامتی‌شان را با شرکت در رفتارهای پرخطر متعدد به خطر می‌اندازند. تجارب مربوط به فرار، تا حد زیادی، در توانایی‌هایشان برای تبدیل شدن به بزرگسالی سالم تأثیر می‌گذارد. جوانان فراری به بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند که ممکن است به عموم سرایت کند. هم‌چنین آنان خطر تجربه خشونت و استثمار جنسی را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، روش‌های بقایی که این عده برای زنده ماندن در خیابان به کار می‌گیرند اغلب فعالیت‌های مجرمانه است که در کل جامعه تأثیر مستقیم می‌گذارد (Laskorunsky, ۲۰۰۹: ۲). جوانان فراری در معرض افزایش انواع پیامدهای ناسازگار یا مغایر با بهداشت و سلامت‌اند. فراری‌ها، در مقایسه با جوانانی که در خانه‌هایشان زندگی می‌کنند، بیشتر به خودکشی می‌پردازند یا خودکشی کردن کامل در بین آنان بیشتر است (Waller and Sancher, ۲۰۱۱: ۴۷۵). بسیاری از صاحب‌نظران بر آن‌اند که با توجه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران فرار دختران از منزل رفتاری بزهکارانه است و در واقع از جمله تخلفات منزلتی (Status Offences) به‌شمار می‌رود. تخلفات منزلتی رفتاری است که فقط به این علت غیرقانونی تعریف می‌شود که متخلف آن خردسال است (Arthur and Waugh, ۲۰۰۹: ۵۵۵). سیاست عمومی، در مقابل این نوع رفتارهای نوجوانان، ساکت نمانده و آنان را تحت نظارت و محاکمه می‌گیرد (Steinhart, ۱۹۹۶: ۸۶).

امروزه، بسیاری از بررسی‌های جامعه‌شناختی نوین در مورد این سؤال است که آیا مذهب اثر مهمی بر این‌گونه رفتارهای بزهکاری دارد یا نه. برخی محققان رابطه مثبتی بین مذهب و بزهکاری یافته‌اند، در حالی که بسیاری بر این نظرند که هیچ رابطه‌ای ندارند و محققانی هستند که ادعا می‌کنند این رابطه به مکانی که فرد در آن زندگی می‌کند و نوع فعالیت‌هایی که نوجوانان در آن درگیرند بستگی دارد و یا این ارتباط در مورد انواع مشخصی از رفتارهای انحرافی برقرار است. با این حال، استدلال‌هایی که به مذهب منوط‌اند در تئوری کنترل اجتماعی مصداق دارند، زیرا نظریه پردازان برجسته‌ای همچون دورکیم

در مورد تأثیرات مثبت مذهب استدلال‌های بسیاری کرده‌اند. محققان اثبات کرده‌اند که حذف کردن یا وارد نکردن مذهب در تدوین تئوری کنترل اجتماعی اشتباه است و هیرشی و استارک (۱۹۹۶)، بر تأثیرات مثبت مذهب بر رفتارهای انحرافی تأکید کرده‌اند (Michael, ۲۰۰۳: ۲۵۵۱).

مذهب از سه بعد می‌تواند رفتارهای انحرافی را تحت تأثیر قرار دهد. وابستگی (affiliation) و حضور (attendance) و اعتقادات (beliefs). این سه بعد ضرورتاً با هم همراه نیستند؛ مثلاً ممکن است فرد به سازمان‌های مذهبی وابسته باشد، اما حضور کمتری داشته باشد. یا ممکن است بعضی‌ها در خدمات مذهبی حضور دائم داشته باشند، ولی ایمان درونی به اصول مذهبی نداشته باشند و دیگر این‌که ممکن است بسیاری از افراد به مذهب اعتقاد داشته باشند، ولی حضور یا وابستگی به سازمان‌های مذهبی نداشته باشند (Baher, ۲۰۰۷: ۴۴۴-۴۴۸).

از آنجایی که به نظر می‌رسد دین تأثیر مهمی در بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد دارد، محققان اجتماعی باید توجه کافی به عوامل مذهبی داشته باشند. همانند سایر مطالعات اجتماعی، مطالعه نقش مذهب به‌منزله عامل بازدارنده جرم و آزمون مهم در هر فرضیه‌ای مطرح است که متضمن این اصل باشد که رفتار انسان تابع جنبه‌هایی از هویت شخصی و محیط اجتماعی است. غفلت از عوامل مذهبی در پژوهش و کار اجتماعی عمق مطالعه رفتار انسان را سست می‌کند و در مقابل وارد کردن جنبه‌های مذهبی، در مطالعه حاضر، می‌تواند در بسط و گسترش و غنی‌سازی روش کار اجتماعی در توسعه دانش درباره رفتارهای انحرافی نوجوانان کمک کند (Kim, ۲۰۰۳: ۴-۵).

در مورد افرادی که فرار کرده‌اند و بی‌خانمان‌اند، پژوهش‌های بسیاری، چه از سوی محققان ایرانی و چه خارجی، انجام شده که از آن جمله است: (Plass and Hotaling, ۱۹۹۵)، (Yader et al., ۱۹۹۸)، (Cauce et al., ۲۰۰۰)، (Tiwari et al., ۲۰۰۲)، (Tyler and Wang et al., ۲۰۰۸)، (Bersani, ۲۰۰۹)، (Peled and Cohavi, ۲۰۰۹)، (Lan Khong, ۲۰۰۹)، (۲۰۱۰)، (Thrane et al., ۲۰۰۹)، (Raval et al., ۲۰۱۰)، (Tuker et al., ۲۰۱۱)، (Melterz et al., ۲۰۱۲)، (Tyler et al., ۲۰۱۱)؛ هم‌چنین موسوی میرک (۱۳۸۰)، فتحی (۱۳۸۵)، افراسیابی و عرب‌مقدم (۱۳۸۹)، علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، زمانی و همکاران (۱۳۹۰)، اما بسیاری از این پژوهش‌ها فقط در سطح توصیف باقی مانده‌اند و کمتر به آزمون نظریه یا توضیح و تبیین نظری مسائل پرداخته‌اند. به طوری که در بین این تحقیقات، بیش

از نیمی از تحقیقات بدون استفاده از نظریه خاصی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. هم‌چنین، از میان عوامل متعدد، تقریباً تأکید عمده آن‌ها بر عوامل خانوادگی بوده و کمتر به ابعاد و سطوح دیگر، از جمله بعد مذهبی، توجه کرده‌اند و پژوهش‌های انجام‌شده نیز به نقش دین‌داری در بزهکاری پرداخته‌اند. هم‌چنین تحقیقاتی که در داخل کشور بر رابطه دین‌داری با بزهکاری متمرکز شده‌اند، کمتر به نقش متغیرهای مداخله‌گر در توضیح رابطه بین مذهب و بزهکاری و نیز در کنترل تأثیر متغیرهای اجتماعی، نظیر خانواده و مدرسه و هم‌سالان و وضعیت محله، پرداخته‌اند.

در بسیاری از پژوهش‌های خارجی، در زمینه اندازه‌گیری مذهبی‌بودن، در جامعیت خود مذهبی‌بودن را لحاظ و ارزیابی نکرده‌اند، بلکه صرفاً به بعد مناسک و حضور در کلیسا به‌منزله مذهبی‌بودن پرداخته‌اند، به طوری که در حدود ۶۵ درصد از مطالعات قبلی در رابطه بین مذهب و بزهکاری در سیزده سال اخیر، تنها حضور در کلیسا را به‌مثابه متغیر اندازه‌گیری مذهبی‌بودن به‌کار گرفته‌اند، در حالی که حضور در کلیسا تنها مؤلفه اندازه‌گیری مذهبی‌بودن نیست؛ زیرا بسیاری از افراد به‌ندرت در کلیسا حضور پیدا می‌کنند و بسیاری از کسانی که به کلیسا می‌روند مذهبی نیستند و هم‌چنین ممکن است نوجوانان به اصرار والدین خود در کلیسا حضور پیدا کنند. از دیگر محدودیت‌های پژوهش‌های خارجی می‌توان اشاره کرد که آن‌ها اکثراً در چهارچوب نظام فرهنگی و قومی خاصی به این مسئله توجه کرده‌اند و این از قدرت تعمیم‌دهی این پژوهش‌ها برای جوامع دیگر می‌کاهد، هم‌چنین در مورد نوجوانانی که هنوز فرار نکرده‌اند و احتمال می‌رود که در آینده فرار کنند یا ممکن است گرایش به فرار (attitudes to runing away) داشته باشند، شناخت چندانی نیست.

گرایش به ترکیبی از شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای اقدام به یک رفتار اطلاق می‌شود. به نظر روان‌شناسان، گرایش به سه عنصر اساسی شناختی و احساسی و تمایل به عمل اطلاق می‌شود. گرایش، از سویی به‌علت جنبه عاطفی و پایدار آن، فراهم‌آورنده زمینه اساسی فعالیت‌هاست و از سوی دیگر با برقراری روابط بالقوه و فعالیت پنهان به‌سوی هدفی در جهان خارج هدایت می‌شود. بنابراین، با بررسی گرایش دختران به فرار و چگونگی شکل‌گیری آن، می‌توان تا حد زیادی عقاید و آگاهی‌ها و بینش‌های این افراد را درباره این مسئله بررسی و ارزیابی علمی کرد (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). با این حال، لازم است تا درباره این گروه تحقیقاتی انجام شود؛ زیرا ممکن است آنان هم در معرض خطر این تجربه فرار و نتایج منفی آن باشند. با وجود تلاش‌های متعددی که در

جهت درک و فهم عوامل مؤثر در فرار دختران از منزل صورت گرفته است و نیز شناخت و بررسی مشکلات متعددی که این عده با آن مواجه‌اند، تحقیقات نشان می‌دهد که به نظر تاکنون در ایران هیچ پژوهش نظام‌مندی انجام نشده که تأثیر مذهب را در گرایش به فرار از منزل، در میان دختران دانش‌آموز، بررسی کرده باشد؛ از این رو شناخت موضوع فرار از منزل و بررسی نقش دین‌داری، به‌منظور پیش‌گیری از گرایش به فرار، ضروری است.

## ۲. اهداف پژوهش

اهداف اساسی این پژوهش به شرح زیر است:

- بررسی توصیفی وضعیت دین‌داری و نیز گرایش دختران دبیرستانی به فرار از منزل در شهر بابلسر؛
- تبیین جامعه‌شناختی گرایش به فرار از منزل در میان دختران دانش‌آموز با استفاده از نظریه پیوند اجتماعی.

## ۳. چهارچوب نظری

### ۳.۱ نظریه پیوند اجتماعی (social bond theory) و تأثیر حمایتی دین

در حال حاضر، تئوری کنترل اجتماعی هیرشی به یکی از معدود نظریه‌های اساسی کنترل، به‌ویژه در زمینه بزهکاری، تبدیل شده است. بسیاری از پژوهش‌ها از تئوری کنترل اجتماعی هیرشی بهره گرفته‌اند و اغلب در ایالات متحده انجام شده‌اند. البته مطالعات خارج از ایالات متحده نیز بیشتر در کشورهای غربی و به‌ویژه در کشورهای اروپایی انجام شد و معدودی از این مطالعات در کشورهای آسیایی به‌انجام رسیده است. در کشورهای خاورمیانه، که سنت‌های خانوادگی و اجتماعی دیرپایی دارند و به کنش‌های افراد، مستقیم و غیرمستقیم، بیشتر توجه شده، مطالعات اندکی براساس نظریه هیرشی انجام شده است. در مجموع، آزمون تئوری کنترل اجتماعی خارج از ایالات متحده، حتی بدون در نظر گرفتن طرح تحقیق مقطعی یا طولی و یا سطح اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی جوامع مانند توسعه‌یافته در برابر عقب‌مانده یا در حال توسعه و سستی در برابر مدرن، نشان می‌دهد که این تئوری نقش مهمی در تبیین رفتار بزهکارانه دارد (Ozbay, ۲۰۰۶: ۷۱۱-۷۱۲).

نظریه پیوند اجتماعی نظریه کنترل اجتماعی است که به طور خاص به موضوع

بزهکاری می‌پردازد. این نظریه از تلاش‌های اولیه برای فهم روش‌های درونی و بیرونی کنترل اجتماعی برخاسته است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۷). هیرشی بیان می‌کند که رفتارهای انحرافی در شرایط فقدان کنترل اجتماعی و اجتماعی‌شدن ناقص رخ می‌دهند. براساس فرض اساسی تئوری کنترل اجتماعی استدلال شده که باور مذهبی عنصری از کنترل اجتماعی است که می‌تواند در زمینه گرایش‌های ذاتی، در قبال رفتارهای انحرافی، علاوه بر حوزه‌های دیگر کنترل اجتماعی مثل خانواده و مدرسه و محله، محدودیت ایجاد کند (Kim, ۲۰۰۳: ۵). وی انطباق و هم‌نوایی را بر پایه پیوندهایی می‌داند که میان افراد و جامعه گسترش یافته و آن‌ها را از نقض قوانین باز می‌دارد. پیوندهای اجتماعی شامل چهار عنصر پیوستگی (attachment)، التزام (commitment)، مشغولیت (involvement)، و باور (belief) است (Michael, ۲۰۰۳: ۲۵۷). اگرچه تئوری کنترل اجتماعی هیرشی مذهب را کانون اصلی بحث خود قرار نداده، چهارچوبی دقیق در تبیین تأثیر مذهب در بزهکاری است. همان‌طور که گفته شد، مفهوم کلیدی تئوری کنترل اجتماعی این است که نوجوانانی که، به طرق مختلف، به کنترل اجتماعی رسمی پیوند خورده‌اند منحرف نخواهند شد. به همین ترتیب، مذهب، به مثابه شکلی از کنترل اجتماعی، از ارزش‌های اجتماعی حمایت می‌کند و رفتارهای انحرافی را کنترل می‌کند (Kim, ۲۰۰۳: ۵۲).

محققان هنوز در مورد تأثیر مستقل مذهب در بزهکاری به توافق نرسیده‌اند؛ برخی دریافته‌اند حتی زمانی که نفوذ متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی را کنترل می‌کردند، دین‌داری تأثیرات مهمی در رفتارهای انحرافی داشته، در حالی که عده‌ای به این نتیجه رسیدند که تأثیرات مذهب، تا حدودی به وسیله متغیرهای زمینه‌ای، غیرمستقیم بوده است (ibid: ۳۷). Elifson و همکاران (۱۹۸۳) دریافتند که تأثیر مستقل مذهب، از نظر آماری، معنی‌دار نبوده است و Warren and Burkett (۱۹۸۷) گزارش دادند که رابطه بین دین‌داری و بزهکاری، پس از کنترل متغیرهایی چون خانواده و همالان، از نظر آماری نامعلوم بوده است، چنان‌که تأثیر مذهب در استفاده کردن نوجوانان از مواد مخدر مستقیم نبوده و از طریق معاشرت با همالان غیرمستقیم بوده است. هم‌چنین Mecghan and Bahr (۱۹۹۳) نشان دادند که دین در ارتکاب رفتارهای انحرافی، پس از کنترل عوامل خانوادگی، تأثیری نداشته است. در مقابل، Cochran و همکاران (۱۹۹۴) نتیجه گرفتند که تأثیر مذهب در مواردی چون تجاوز، سرقت، خرابکاری، فرار، استفاده از مواد مخدر پس از کنترل عوامل مرتبط با نظریه‌های کنترل اجتماعی و برانگیختگی چندان معنی‌دار نبوده است، اما تأثیر بازدارندگی دین در

بزهکاری در استفاده از الکل و توتون و تنباکو معنی‌دار باقی مانده است. همانند دیگر عناصر پیوند اجتماعی، رفتارها و گرایش‌های مذهبی می‌توانند از انحراف جلوگیری کنند. دین‌داری می‌تواند در پیوستگی میان اعضای خانواده تأثیر بگذارد و عنصر التزام را از طریق وسایل و اهداف حاصل از نهادهای مذهبی تقویت کند. شرکت در فعالیت‌های مذهبی، مثل حضور در اماکن مذهبی و وابستگی به گروه‌های مذهبی جوانان، موجب بهره‌بردن از زمانی می‌شود که در غیر این صورت ممکن بود صرف رفتارهای بزهکاری شود. باور به اعتبار افزایش سخت‌گیری در قوانین به‌وسیلهٔ مذهب موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود؛ زیرا بسیاری از مذاهب محکومیت‌های شدیدی در قبال رفتارهای انحرافی، در مقایسه با جوامع غیرمذهبی، دارند (Desmond et al., ۲۰۱۱: ۶۶۷). مذهبی‌بودن نوجوان می‌تواند عملکردی شبیه کنترل اجتماعی خانواده و مدرسه داشته باشد. از طریق چهار عنصر از قیدوبندهای مذهبی از رفتارهای انحرافی ممانعت می‌شود که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱.۱.۳ پیوستگی در مذهب (attachment to religion)

«وابستگی» گرهی احساسی است که نوجوانان با رسوم قراردادی و افراد گوناگون دارند. این تعلق احساسی، به طور تئوریک، از درگیری افراد در بزهکاری جلوگیری می‌کند؛ زیرا آن‌ها نمی‌خواهند به این روابط خود با دیگران آسیب برسانند. پیوستگی دیگران در جامعه بر پایهٔ پذیرش هنجارهای اجتماعی و توسعهٔ وجدان جمعی است. وقتی نوجوانان به والدینشان و مدارس و دیگر نهادهای اجتماعی وابسته‌اند، بیشتر مطابق انتظارات بهنجار رفتار می‌کنند و کمتر درگیر رفتار انحرافی می‌شوند؛ زیرا انحراف این روابط و وابستگی‌ها را تهدید می‌کند (Michael, ۲۰۰۳: ۲۵۷). نوجوانانی که به دین وابستگی دارند، به‌علت روابط عاطفی خود با نهادهای مذهبی و مذهبیان، انتظار کمتری می‌رود تا درگیر رفتارهای انحرافی شوند.

### ۲.۱.۳ التزام به مذهب (commitment to religion)

«التزام» اشاره دارد به این‌که، در شرایط تئوریک، اگر نوجوانی آرزوی اهداف قراردادی را داشته باشد، کمتر احتمال دارد که درگیر رفتارهای بزهکارانه شود (Michael, ۲۰۰۳: ۲۵۷). نظر به این‌که شخص زمان و انرژی خود را در فعالیت‌های معین، نظیر تحصیل و شروع کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری می‌کند، هرگاه رفتار را در نظر می‌گیرد، باید هزینه‌های این رفتار را نیز در نظر بگیرد. ریسک از دست دادن سرمایه‌گذاری او را به رفتاری معمولی و مرسوم متعهد می‌کند (Hirschi, ۱۹۹۶: ۲۵۳). مذهب جاه‌طلبی و انگیزهٔ موفقیت را، از طریق

راه‌های رسمی دست‌یابی به موفقیت، فراهم می‌کند. التزام به مذهب نوجوانان را از درگیر شدن در رفتارهای انحرافی، که جایگاهشان را به مخاطره می‌اندازد، باز می‌دارد.

### ۳.۱.۳ مشغولیت در فعالیت‌های مذهبی (involvement in religion)

شرکت در فعالیت‌های مرسوم بخشی از نظریه کنترل است. فرض بر این است که شخصی ممکن است فقط به فعالیت‌های مرسوم بپردازد و زمانی برای اقدام به انواع رفتارهای انحرافی را نداشته باشد. «مشغولیت» مقدار زمانی است که نوجوانان در پی‌گیری امور قراردادی صرف می‌کنند. در تعاریف نظری، نوجوانی که زمان خود را صرف امور قراردادی می‌کند کمتر احتمال دارد تا در بزهکاری درگیر شود (Hirschi, ۱۹۹۶: ۲۵۴). نوجوانانی که در نهادهای مذهبی مشغولیت دارند، کمتر به صرف زمان برای رفتارهای نامشروع و غیرقانونی تمایل دارند؛ بنابراین انتظار می‌رود که مشغولیت در فعالیت‌های مذهبی نوجوانان را از بزهکاری حفظ کند.

### ۴.۱.۳ اعتقاد به مذاهب مرسوم (belief in conventional religions) و متداول

«باورداشتن» نگرش‌های نوجوان را به قوانین اجتماعی نشان می‌دهد و هنگامی که باور ضعیف می‌شود، زمینه ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را فراهم می‌کند؛ زیرا فرد هیچ نگرشی ندارد که وی را از بزهکاری باز دارد (Michael, ۲۰۰۳: ۲۵۷). اعتقادات مذهبی متداول نوجوانان را به پذیرش اصول مذهبی یا ممانعت از انجام‌دادن رفتار بزهکارانه تشویق می‌کند. از تحقیقات پیشین برمی‌آید که جوانان مذهبی و غیرمذهبی به‌لحاظ میزان رفتارهای انحرافی با هم متفاوت‌اند؛ زیرا در معرض رفتارهای انحرافی بودن و تأثیرپذیری‌شان از رفتارهای انحرافی هم‌سالان متفاوت است. به عبارت دیگر، مذهب می‌تواند، به‌منزله عاملی حمایتی، تأثیرپذیری جوانان را از رفتارهای انحرافی کاهش دهد. عوامل حفاظتی می‌تواند یا تأثیر مستقیمی در احتمال بزهکاری داشته باشد یا رابطه با عامل خطر به انحراف و بزهکاری را محدود کند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که ابعاد گوناگون دین‌داری، مثل حضور در اماکن مذهبی و مهم دانستن دین و عبادت، تأثیر انواع عوامل خطر در بزهکاری را کاهش می‌دهد. تأثیر حفاظتی مذهب تأثیر نامحدود عوامل متعدد خطر را، که باعث بزهکاری و رفتارهای انحرافی می‌شود، کاهش می‌دهد. همانند دیگر عناصر پیوند اجتماعی، رفتارها و گرایش‌های مذهبی می‌توانند از انحراف جلوگیری کنند. دین‌داری می‌تواند در پیوستگی میان اعضای خانواده تأثیر بگذارد و عنصر التزام را از طریق وسایل و اهداف



حاصل از نهادهای مذهبی تقویت کند. شرکت در فعالیت‌های مذهبی، مثل حضور در اماکن مذهبی نظیر کلیسا و وابستگی به گروه‌های مذهبی جوانان، سبب بهره‌بردن از زمانی می‌شود که در غیر این صورت ممکن است صرف رفتارهای بزهکاری شود و باور به اعتبار افزایش سخت‌گیری در قوانین به وسیلهٔ مذهب موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود؛ زیرا بسیاری از مذاهب محکومیت‌های شدیدی در قبال رفتارهای انحرافی در مقایسه با جوامع غیرمذهبی دارند (Desmond et al., ۲۰۱۱: ۶۶۸).

### ۲.۳ جنسیت و بزهکاری در نظریهٔ هیرشی

به نظر محققان، جنسیت به‌مثابهٔ یک ساختار، در درون خانواده ایجاد و حفظ می‌شود و کسب تجربیات متفاوت به تفاوت بزهکاری در پسران و دختران منجر می‌شود (Chapple et al., ۲۰۰۴: ۳۵۸). محققان، در توضیح تفاوت‌های جنسیتی در بزهکاری، اغلب از نظریه‌هایی استفاده می‌کنند که بر کنترل و پیوند اجتماعی جنسیت مفروض‌اند. بخش عمده‌ای از این کار، بر سنجش هیرشی از پیوند اجتماعی و اثر بازدارندگی آن در ارتکاب به رفتارهای انحرافی استوار است. می‌توان گفت عناصر پیوند اجتماعی هم برای پسران و هم دختران سنجش‌پذیر است و جنسیت سنجش پیوندهای اجتماعی و روابط ساختاری بین عناصر پیوند اجتماعی را محدود نمی‌کند (ibid: ۳۵۹). نظریهٔ کنترل اجتماعی در این زمینه مطرح شده و هیرشی آن را توسعه داده و دیگرانی چون Campbell and Figuera (۱۹۸۷) آن را در آزمون‌های خود به‌کار گرفتند که تفاوت‌های جنسیتی را تشریح و تصویب می‌کند. در طی ۴۰ سال گذشته، تلاش‌های بسیاری با نتایج درهم و آمیخته مبنی بر بررسی این‌که آیا تئوری کنترل اجتماعی هیرشی که در تحقیقات بر روی نمونهٔ مرد مشتق شده بود، در توضیح انحراف زنان نیز به همان اندازه مؤثر است یا نه انجام شد.

پژوهش‌هایی که با نظریهٔ کنترل اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی در انحراف را بررسی کرده‌اند معمولاً بر این استدلال‌اند که مردان و زنان تجربیات اجتماعی شدن متفاوتی دارند. رشد اجتماعی مرد بر حس فردیت‌گرایی یا اصول اخلاقی عدالت دلالت دارد، در حالی که زن احساس مسئولیت و یا نگرنداری و مراقبت اجتماعی دارد. این جامعه‌پذیری جنسیتی را Tannen (۱۹۹۲) بیان کرده و نشان می‌دهد که دختران بیشتر از پسران در تبادل احساسات و برقراری روابط درگیرند. Van Rossum (۱۹۹۸) نیز دریافت که پسران تمایل به بازی کردن با دیگران را به‌علت رقابت و دست‌انداختن دیگران انتخاب می‌کنند، در حالی که

دختران برای تفریح و بودن با هم به این کار تمایل دارند. در نتیجه، چنین اجتماعی شدن جنسیتی‌ای منجر به تفاوت‌های جنسیتی در پیوندهای اجتماعی می‌شود که در واقع زنان از پیوند قوی‌تر و محکم‌تری در مقایسه با مردان برخوردارند ( Kobayashi and Fukushima, ۲۰۱۲: ۲۸۷). Canter (۱۹۸۲) تفاوت‌های جنسیتی را در چهار عنصر پیوند اجتماعی بررسی کرد و شواهد نشان داد که زنان پیوستگی قوی‌تری به دیگران دارند و سرمایه‌گذاری بیشتری در اهداف مرسوم و باور قوی‌تری در مشروعیت‌دهی به نظم اجتماعی دارند. Smith و همکاران (۱۹۸۷)، در تحقیق خود، دریافتند که زنان نمره بالاتری در نظرات والدین و دل‌بستگی به هم‌سالان و مشغولیت در فعالیت‌های مرسوم به‌دست آوردند. رفتار زنان، تا حد زیادی، به‌وسیله انتظارات فرهنگی و اجتماعی تعیین می‌شود. انتظارات اجتماعی و هنجاری در مورد رفتار زنان و الگوهای اجتماعی شدن ممکن است به‌شدت در رفتار دختران تأثیر بگذارد و رفتار بزهکارانه را مهار کند. مثلاً، Heimer (۱۹۹۵) بیان می‌کند دخترانی که تعاریف سستی از زنانگی را قبول دارند در مقایسه با دخترانی که کمتر به تعاریف سستی پای‌بندند به رفتار بزهکاری تمایل کمتری نشان داده‌اند. بنابراین، تأکید بر اهمیت حفظ روابط با دیگران در اجتماعی شدن زن سبب می‌شود که وی پیوستگی قوی‌تری را در مقایسه با دیگران و التزام بیشتری به پیروی و هم‌نوایی از هنجارهای اجتماعی متعارف و مشغولیت بیشتری در فعالیت‌های مرسوم و اعتقادات قوی‌تری به قوانین اجتماعی را در خود لازم و ضروری ببیند (ibid: ۲۸۷).

در چهارچوب نظری تحقیق حاضر، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی برای ارائه توضیحی دقیق‌تر از رابطه دین‌داری و گرایش به فرار در میان دختران استفاده شده است. تئوری پیوند اجتماعی نظریه عمده‌ای برای مطالعه اعتقادات مذهبی و رفتارهای انحرافی است و در مطالعات تجربی، دل‌بستگی و تعهد پیوسته عوامل بازدارنده قوی برای رفتارهای بزهکاری نشان داده شده‌اند. در این پژوهش، فرض بر این است که جوانان و نوجوانانی که به نهادهای مذهبی پیوند خورده‌اند و باورهای مذهبی قوی‌تری دارند کمتر احتمال دارد که مرتکب رفتارهای خلافکارانه شوند. علاوه بر این، بسیاری از مطالعات پیشین از فرضیه‌های ضدزاهدانه، که دین‌داری ارتباط نزدیکی با انواع خاصی از رفتارهای بزهکارانه مثل مصرف الکل و مواد مخدر دارد، حمایت کرده‌اند و، براساس فرضیاتی که تأثیرات دین‌داری در میان انواع رفتارهای بزهکارانه متفاوت است، پژوهش حاضر تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار در میان دختران را بررسی می‌کند.

#### ۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان دین‌داری دختران دانش‌آموز با میزان گرایش آن‌ها به فرار از منزل رابطه‌ای معکوس دارد.
  - ۱.۱ پیوستگی دینی و گرایش به فرار در میان دختران رابطه معکوس دارند.
  - ۲.۱ التزام دینی و گرایش به فرار در میان دختران رابطه معکوس دارند.
  - ۳.۱ مشغولیت دینی و گرایش به فرار در میان دختران رابطه معکوس دارند.
  - ۴.۱ باور دینی و گرایش به فرار در میان دختران رابطه معکوس دارند.

#### ۵. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و از نوع مقطعی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه خوداجرا بوده است. واحد تحلیل، در این پژوهش، فرد (دانش‌آموز) و جمعیت تحقیق آن همه دانش‌آموزان سال اول و دوم و سوم دبیرستان بابلسر (۱۵۹۷ نفر) بوده که براساس آمارهای به‌دست‌آمده از اداره آموزش و پرورش شهرستان بابلسر، به تفکیک مقطع تحصیلی و نوع مدارس دولتی و غیرانتفاعی در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲، انجام گرفته است.

برای تعیین حجم نمونه، با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه توسط پاره‌ای از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد (دواس، ۱۳۸۶: ۸۷). بنابراین، نمونه آماری تحقیق، به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی با خطای ۵ درصد، ۴۰۰ نفر بوده است. در مجموع ۴۵۰ پرسش‌نامه تکثیر و توزیع شد و، پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، در نهایت ۳۷۰ پرسش‌نامه تحلیل و بررسی شد.

روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی متناسب است. در ابتدا، مدارس براساس نوع مدرسه به دو گروه دولتی و غیرانتفاعی تقسیم شدند، سپس هریک از این گروه‌ها به سه زیرگروه اول و دوم و سوم دبیرستان تقسیم شدند که به هریک از این گروه‌ها و زیرگروه‌ها، به نسبت آمار تعداد دانش‌آموزان، پرسش‌نامه تخصیص یافت که به‌صورت تصادفی در مدارس و میان دانش‌آموزان توزیع و تکمیل شد.

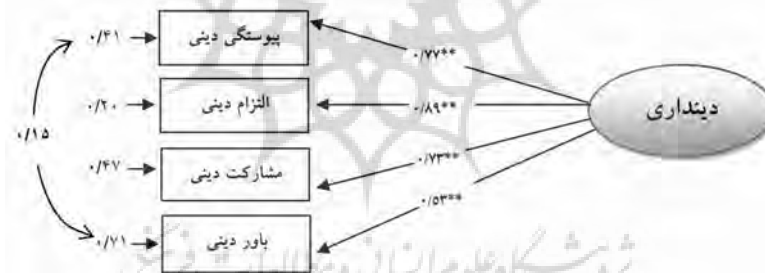
برای پردازش و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزارهای کامپیوتری Spss ۱۶ و Lisrel ۸.۸۰ استفاده شد.

در این تحقیق، برای تعیین اعتبار ابزار سنجش یا پرسش‌نامه، از روش‌های اعتبار صوری (face validity) و محتوایی (content validity) و اعتبار سازه (construct validity) استفاده شده است. برای سنجش اعتبار سازه، در مدل اندازه‌گیری لیزرل، ضرایب مشاهده‌شده بر روی متغیر پنهان اعتبار آن شاخص در نظر گرفته شده است؛ یعنی هرچه ضرایب حاصل بالا باشد، اعتبار سازه افزایش می‌یابد. برای این منظور، از مدل اندازه‌گیری لیزرل برای مدل عاملی تأییدی استفاده شده است.

### ۱.۵ مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی

در زیر مدل‌های تحلیل عاملی متغیرها آورده شده است. در مدل‌های تحلیل عاملی، عددی که با فلش از متغیر پنهان به سمت متغیر آشکار کشیده شده نشانگر آن است که هر متغیر آشکار در اندازه‌گیری متغیر مکنون چقدر نقش دارد. هرچه این بار عاملی بالاتر باشد، نشانگر اعتبار بالاتر است.

#### ۱.۱.۵ تحلیل عاملی متغیر مستقل (دین‌داری)

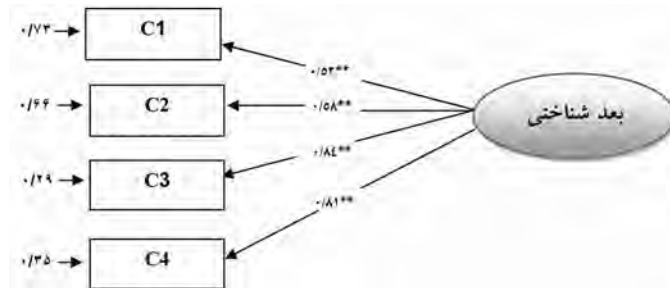


Chi-square=۰.۲۹ df=۱ p-value=۰.۵۸۹۰۷ RMSEA=۰.۰۰۰ FI=۱ AGFI=۱

شکل ۱. مدل تحلیل عاملی دین‌داری

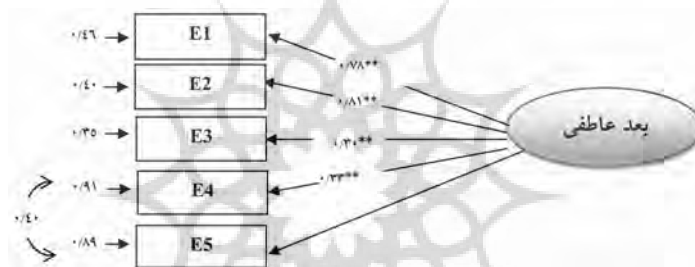
نتایج مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که بارهای عاملی سنج‌ها معنادار است. این مقادیر حاکی از آن است که مدل اندازه‌گیری پیشنهادی برای سنجش و برآزش متغیر دین‌داری مناسب بوده و این شاخص‌ها به‌خوبی توانسته‌اند متغیر مذکور را اندازه‌گیری کنند. در متغیر مکنون دین‌داری، بعد التزام دینی و بعد پیوستگی دینی کمترین خطای اندازه‌گیری و بیشترین بار عاملی در مقایسه با دیگر ابعاد را دارند.

۲.۱.۵ مدل تحلیل عاملی ابعاد متغیر وابسته (گرایش به فرار)



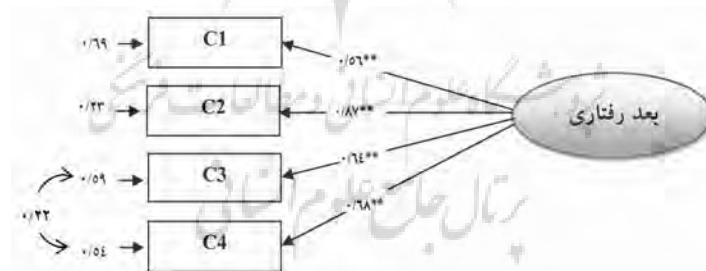
Chi-square= ۱.۰۳ df=۲ p-value=۰.۵۹۸۱۵ RMSEA=۰/۰۰۰

شکل ۲. مدل تحلیل عاملی بعد شناختی



Chi-Square=۵.۱۰ df=۴ P-value=۰.۲۷۴۶ RMSEA=۰.۰۲۷

شکل ۳. مدل تحلیل عاملی بعد عاطفی



Chi-Square=۰.۰۲ df=۱ P-value=۰.۸۹۳۷۹ RMSEA=۰.۰۰۰

شکل ۴. مدل تحلیل عاملی بعد رفتاری

با توجه به مدل‌های فوق، می‌توان گفت که مقادیر شاخص‌ها برازش بسیار خوبی را نشان می‌دهد. بارهای عاملی سنجه‌ها معنادار است و مدل اندازه‌گیری پیشنهادی برای سنجش و

برازش متغیر گرایش به فرار از منزل مناسب بوده است. در بعد شناختی، بار عاملی شناخت پیامدهای منفی تا حدودی ضعیف بوده و خطای اندازه‌گیری در آن بالا بوده است، ولی در کل مدل از برازش خوبی برخوردار است و شاخص‌ها توانسته‌اند به خوبی متغیر مذکور را اندازه‌گیری کنند. در متغیر مکنون گرایش به فرار، معرف شناخت پیامدهای مثبت و تمایل به فرار از منزل بالاترین بارهای عاملی را دارند و مقدار خطا در آنان بسیار پایین است.

## ۲.۵ آلفای کرونباخ

از آن‌جا که هماهنگی درونی بین آیتم‌ها و ضریب آلفای کرونباخ که بر پایه آن قرار دارد، از عمومی‌ترین شیوه‌های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است، برای سنجش پایایی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول زیر نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه
گرایش به فرار (متغیر وابسته)	۰/۸۷	۲۱
روابط خانوادگی	۰/۸۷	۴
پیوستگی دینی	۰/۷۲	۶
التزام دینی	۰/۷۸	۷
مشغولیت دینی	۰/۸۳	۷
باور دینی	۰/۶۴	۶
همالان بزه‌کار	۰/۷۰	۷
سابقه فرار از خانه	۰/۷۴	۴

## ۶. تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

### ۱.۶ گرایش به فرار (attitude running away)

واژه «attitude» معادل‌های فارسی متعددی چون «طرز تلقی»، «وجه نظر»، «بازخورد»، «وضع روان»، «ایستار»، و «نگرش» دارد.

گرایش نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی و یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل یا رفتار است. عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره شیئی یا اندیشه‌ای است و عنصر احساسی یا عاطفی آن است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با

باورهای ما پیوند دارد و عنصر رفتاری تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۸۴: ۲۳۵). فرار مصدر است به معنای گریختن و گریز؛ فرار یعنی ترک محیطی که دست‌یافتن به تمایلات و نیازها و خواسته‌های فرد در آن محیط ممکن نیست و شرایط آن برای فرد نامطلوب است و فرد قادر به تغییر آن نیست (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱۴). در این تحقیق، برای عملیاتی‌سازی متغیر وابسته، یعنی گرایش به فرار، سه بُعد در نظر گرفته شده است: بعد شناختی و بعد عاطفی و بعد رفتاری گرایش به فرار. بعد شناختی شامل دو مؤلفه شناخت آثار و پیامدهای مثبت، شناخت آثار و پیامدهای منفی است که شامل هفت معرف است و این گویه‌ها شامل فرار موجب بی‌آبرویی، جلوه بد نداشتن فرار، فرار موجب طرد، فرار عامل مشکلات بزرگ‌تر، فرار عامل رسیدن به موقعیت‌های بهتر و فرار پاسخی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در برابر مشکلات است (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۲۰۰۹، Peled and Cohavi).

بعد عاطفی گرایش به فرار دارای سه مؤلفه حالات عاطفی مثبت، حالات عاطفی منفی، علاقه‌مندی و بی‌علاقگی است و هفت معرف دارد که شامل فرار راهی برای آزادی، فرار نشانه بلوغ، فرار راهی برای نجات از مشکلات، درست‌نبودن فرار، اشتباه‌بودن نگاه بد مردم به دختران فراری، نداشتن احساس بد به دختران فراری (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰) و اقدام به فرار از روی هیجان‌طلبی است (Tyler, ۲۰۱۱).

بعد رفتاری گرایش به فرار شامل دو مؤلفه تمایل به برقراری ارتباط با فراری‌ها و آمادگی برای فرار است و معرف‌های آن عبارت‌اند از جالب‌بودن رابطه با دختر فراری، بی‌اعتمادی به دختر فراری (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، فرار برای رهایی از نظارت کنترل والدین (Peled and Cohavi, ۲۰۰۹)، فکرکردن به فرار، فرار در صورت بدرفتاری خانواده، فرار در صورت تصمیم گروهی با دوستان (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، فرار برای دست‌یابی به موقعیت‌های بهتر و استقلال اقتصادی است (Tiwari, ۲۰۰۲).

## ۲.۶ متغیرهای مستقل

### ۱.۲.۶ پیوستگی مذهبی (Religious Attachment)

پیوستگی دیگران در جامعه بر پایه پذیرش هنجارهای اجتماعی و توسعه وجدان جمعی است. درباره پیوستگی مذهبی می‌توان گفت نوجوانانی که به دین وابستگی دارند، به‌علت روابط عاطفی آن‌ها با نهادهای مذهبی و مذهبیان، انتظار کمتری می‌رود که درگیر رفتارهای

انحرافی شوند؛ زیرا انحراف این روابط و وابستگی‌ها را تهدید می‌کند (Kim, ۲۰۰۳: ۵۲). برای سنجش این متغیر، که بعد احساسی دین‌داری است، شش معرف در نظر گرفته شده است و این معرف‌ها عبارت‌اند از احساس آرامش با مذهب، احساس نزدیکی به خدا، احساس شکرگزاری از خدا (Allen and Lo, ۲۰۱۰)، دعاکردن در مواقع سخت (Cam, ۲۰۱۰)، احساس ترس از خدا (کاظمی، ۱۳۸۸)، احساس عذاب وجدان پس از ارتکاب گناه (طالبان، ۱۳۸۰). در نهایت، هریک از این معرف‌ها با سؤالاتی در پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفتند که شامل گویه‌های ۱ تا ۷ سؤال ۲ پرسش‌نامه است.

#### ۲.۲.۶. التزام دینی (religious commitment)

التزام عمل‌هنجاری و مرسوم در رسیدن به اهداف شغلی و آموزشی است. نوجوانانی که در بخش آموزش و پرورش و شغل و اعتبار سرمایه‌گذاری کرده‌اند، احتمال کمتری دارد که موفقیت خود را با درگیر شدن در رفتارهای انحرافی به‌خطر بیندازند (Kim, ۲۰۰۳: ۴۹). برای سنجش این متغیر، که بعد شناختی دین‌داری است، هفت معرف در نظر گرفته شده که شامل این‌هاست: دخالت‌دادن آموزه‌های مذهبی در تصمیم‌گیری‌های مهم (Eldlund and Harris, ۲۰۱۰)، اهمیت‌داشتن مذهب (Ulmer and Desmond, ۲۰۱۲)، لزوم شرکت در مراسم مذهبی (علیخواه، ۱۳۸۳)، توکل به خدا در مشکلات (Koren and Zukerman, ۲۰۱۱)، تکیه بر آموزه‌های دینی در مواجهه با مشکلات (Button et al., ۲۰۱۱)، تمایل به انجام‌دادن هر کاری بدون توجه به گناه‌بودن و گناه‌نبودن آن، تمایل به زیرپا گذاشتن فرمان‌های خداوند برای کسب موفقیت در زندگی (طالبان، ۱۳۸۰) که گویه‌های ۸ تا ۱۴ از سؤال ۲ پرسش‌نامه است.

#### ۳.۲.۶. مشغولیت مذهبی (religious involvement)

مشغولیت دینی دلالت بر بعد رفتاری دین‌داری دارد. در کل، نوجوانانی که در نهادهای مذهبی مشغولیت دارند، تمایل کمتری به صرف زمان برای رفتارهای نامشروع و غیرقانونی دارند و در نتیجه انتظار می‌رود که مشغولیت در فعالیت‌های مذهبی نوجوانان را از بزهکاری حفظ کند (Kim, ۲۰۰۳: ۵۳). به‌نظر می‌رسد مشغولیت در فعالیت‌های مذهبی برای محافظت جوانان از بزهکاری و سایر اعمال انحرافی بسیار کمک‌کننده است، هم‌چنین شواهدی نشان می‌دهد که مشغولیت‌های مذهبی در دوران نوجوانی خطر ابتلا به رفتارهای انحرافی در بزرگسالی را کاهش می‌دهد (Ulmer and Desmond, ۲۰۱۲: ۴۵۰). برای متغیر



مشغولیت دینی، که بعد رفتاری دین‌داری است، هفت معرف در نظر گرفته شده است: رفتن به مجالس جشن و سرور مذهبی (کاظمی، ۱۳۸۸)، شرکت در عزاداری‌های مذهبی (Michael, ۲۰۰۳)، شرکت در مجالس قرآن و توسل (علیخواه، ۱۳۸۳)، نمازخواندن (Allen and Lo, ۲۰۱۰)، قرآن‌خواندن (علیخواه، ۱۳۸۳)، مطالعه کتاب‌های دینی (خدایاری فرد، ۱۳۸۵)، روزه‌گرفتن. برای هر یک از این معرف‌ها، گویه‌هایی طراحی شده که شامل گویه‌های ۱ تا ۷ از سؤال ۳ پرسش‌نامه است.

#### ۴.۲.۶ باور دینی (religious belief)

باور به اعتقادات مذهبی متداول نوجوانان را به پذیرش اصول مذهبی و ممانعت از رفتار بزهکاری تشویق می‌کند. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که باور دینی و اعتقادات مذهبی متغیرهایی بوده‌اند که به شدت میزان بزهکاری را کاهش داده‌اند (Kim, ۲۰۰۳: ۵۳). برای سنجش این متغیر، که بعد ارزیابی دین‌داری است، شش معرف در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از باور به خدا (Mencken et al., ۲۰۰۹)، اعتقاد به زندگی پس از مرگ (Canetti, ۲۰۰۴)، نگرش به دین (Steensland et al., ۲۰۰۰)، اعتقاد به دعا و عبادت برای حل مشکلات (Koren and Zukerman, ۲۰۱۱)، باور به بهشت و جهنم (Mencken et al., ۲۰۰۹)، اعتقاد به این که قرآن کلام خداست (کاظمی، ۱۳۸۸).

#### ۳.۶ متغیرهای کنترلی

##### ۱.۳.۶ همالان بزهکار (delinquent peers)

منظور همان پیوند افتراقی ساترلند است. ساترلند بر این نظر است که جرم و جنایت تابعی از فرایند یادگیری است. مهارت‌ها و انگیزه‌های منجر به جرم، به‌منزله نتیجه‌ای از تماس با ارزش‌ها و نگرش‌ها و تعاریف و سایر الگوهای جرم از رفتار مجرمانه، یاد گرفته می‌شوند. یادگیری محصول تعامل است. رفتار مجرمانه محصولی از تعامل با دیگران است که یاد گرفته می‌شود (Siegel, ۲۰۱۰: ۲۱۹). متغیر همالان بزهکار یکی از عناصر نظریه هم‌نشین افتراقی است که براساس شاخص‌هایی سنجیده می‌شود که نشان‌دهنده میزان دوستان بزهکار فرد است. گویه‌های ۱ تا ۷ از سؤال ۵ پرسش‌نامه مربوط به این متغیر است. معرف‌های مربوط به متغیر فوق عبارت‌اند از رفتن به مهمانی‌های مختلط توسط دوستان نزدیک (Stackman, ۲۰۱۰)، سیگارکشیدن دوستان نزدیک (Sigfusdottir et al., ۲۰۱۲)،

۱۰۰ تأثیر دین‌داری در گرایش دختران به فرار از منزل

سابقه فرار در بین دوستان (Tyler and Bersani, ۲۰۰۸)، داشتن دوستی از جنس مخالف، قلدری و وندالیسم دوستان نزدیک.

### ۲.۳.۶ روابط خانوادگی (family relations)

راندل کالینز از نظریه‌پردازان مکتب تضاد است که در سطح خرد به مطالعه روابط درون ساختار خانواده پرداخته است و به نظر او، در طول تاریخ، خانواده متأثر از شرایط ساختاری تغییر شکل داده است، اما همواره کنش‌گران در بازسازی و تعریف مجدد چگونگی روابط میان اعضا نقش مهمی داشته‌اند. به نظر کالینز، نابرابری و احساس محرومیت زمینه‌ساز تضاد است و از سوی دیگر وجود کشمکش‌های موقتی میان اعضای خانواده به تقویت مشروعیت گروهی در برابر گروه دیگر منجر می‌شود (شیخی و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). باید گفت که پیوندهای دوستانه والدین عاملی برای تعدیل نوجوانان و وسیله‌ای برای ارضای عواطف و برای جلوگیری از پدیدآمدن نابسامانی است.

متغیر روابط خانوادگی از عناصر نظریه کنترل اجتماعی است که در این تحقیق برای سنجش آن از هفت معرف بعد دل‌بستگی به والدین استفاده شده که عبارت‌اند از رابطه گرم و صمیمی با پدر و مادر (Michael, ۲۰۰۳)، لذت‌بردن از زندگی در کنار پدر و مادر (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، احساس نزدیکی به پدر و مادر خود (Michael, ۲۰۰۳)، درمیان‌گذاشتن مشکلات با پدر و مادر، آگاهی اعضای خانواده از کسانی که با آنان معاشرت دارد، درمیان‌گذاشتن احساسات شخصی با اعضای خانواده (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

### ۷. یافته‌های پژوهش

جدول ۲. توزیع میزان گرایش به فرار از منزل

متغیر	ابعاد	شدت	کل جمعیت نمونه		اول دیرستان		دوم دیرستان		سوم دیرستان	
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
گرایش به فرار از منزل	شناختی	ضعیف	۶۹/۲	۸۵	۶۶/۴	۸۷	۷۲/۵	۸۴	۶۸/۹	۸۴
		متوسط	۳۰/۳	۴۳	۳۳/۶	۳۳	۲۷/۵	۳۶	۲۹/۵	۳۶
		بالا	۰/۰۵	۰	۰	۰	۰	۲	۱/۶	۲
	عاطفی	ضعیف	۵۶/۲	۶۷	۵۲/۳	۶۹	۵۷/۵	۷۲	۵۹	۷۲
		متوسط	۳۵/۴	۴۶	۳۵/۹	۴۵	۳۷/۵	۴۰	۳۲/۸	۴۰
		بالا	۸/۴	۱۵	۱۱/۷	۶	۵	۱۰	۸/۲	۱۰
	رفتاری	ضعیف	۶۰/۵	۷۵	۵۸/۶	۷۵	۵۶/۷	۸۱	۶۶/۴	۸۱
		متوسط	۳۱/۴	۴۴	۳۴/۴	۴۵	۳۷/۵	۲۷	۲۲/۱	۲۷

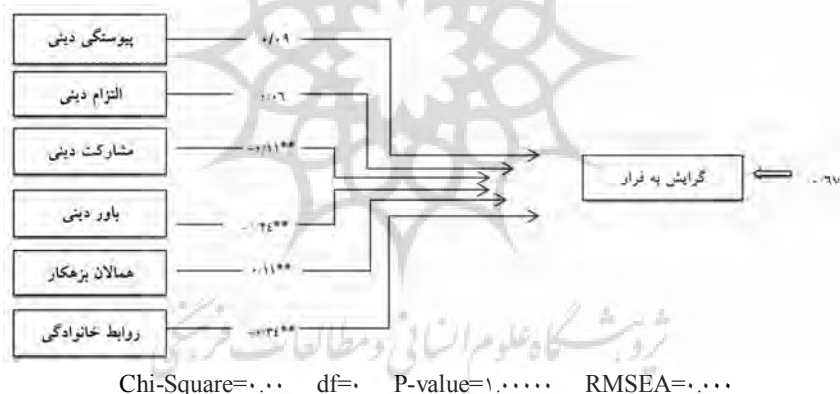
### اکبر علیوردی‌نیا و دیگران ۱۰۱

۱۱/۵	۱۴	۵/۸	۷	۷	۹	۸/۱	۳۰	بالا	کل
۳۳/۴	۳۰	۲۷/۵	۳۳	۳۷/۹	۳۴	۲۶/۲	۹۷	ضعیف	
۷۱/۱	۹۱	۶۹/۲	۸۳	۶۴/۸	۷۹	۶۷/۴	۲۵۳	متوسط	
۵/۵	۷	۳/۳	۴	۷/۴	۹	۵/۴	۲۰	بالا	

داده‌های جدول بالا بیانگر این است که حدود ۷۳/۸ درصد از نمونه مورد بررسی گرایش متوسط و بالایی به فرار از منزل داشته‌اند و حدود ۲۶ درصد گرایش پایینی را نشان داده‌اند. میزان گرایش به فرار در بعد رفتاری نسبت به بعد عاطفی در حد ضعیف‌تر و نسبت به بعد شناختی در حد بالاتری قرار دارد، بیشترین میزان گرایش در بعد عاطفی و بالاترین میزان گرایش به فرار در میان دانش‌آموزان سال اول بوده است.

### ۱.۷ تحلیل رگرسیونی برای تبیین تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار

مدل رگرسیونی برای تبیین گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی در ادامه آمده است.



شکل ۵. مدل تحلیل رگرسیونی

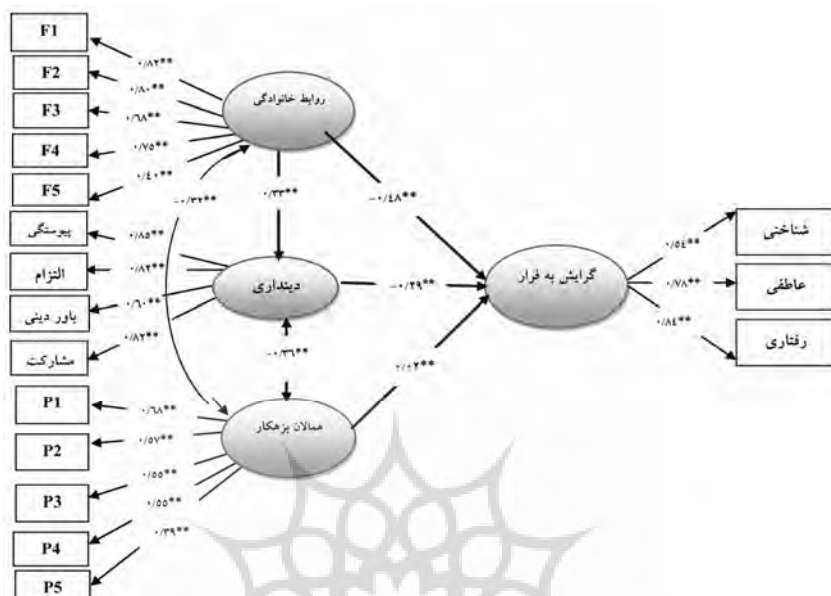
براساس نتایج تحلیل رگرسیونی، با وارددهای کنترلی، ضریب تعیین ( $R^2$ ) ۳۳ است؛ بدین معنی که متغیرهای مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی می‌توانند ۳۳ درصد از تغییرات میزان گرایش به فرار را تبیین کنند. علاوه بر این، وقتی فقط چهار متغیر مستقل را وارد کردیم، متغیر التزام دینی با متغیر وابسته (گرایش به فرار) رابطه معناداری را نشان نداده بود که در مرحله بعد با واردکردن متغیر همالان بزهکار، علاوه بر

التزام دینی، متغیر پیوستگی دینی نیز معنادار نبود و در نهایت با وارد کردن متغیر روابط خانوادگی باز دو متغیر نام‌برده معنادار نیستند و سطح معناداری متغیر همالان بزهکار نیز کاهش یافته است، در حالی که دو متغیر دیگر (مشارکت دینی و باور دینی) هم‌چنان با گرایش به فرار رابطه معناداری را نشان داده‌اند و متغیر روابط خانوادگی نیز رابطه معناداری دارد. ضرایب تأثیر استاندارد (Beta) گویای این است که، از بین ۴ متغیر مستقل، متغیر باور دینی ( $Beta = -0/24$ ) با یک رابطه معکوس قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده است و بعد از آن متغیر مشارکت دینی ( $-/11$ ) مؤثرترین متغیر محسوب می‌شود و التزام دینی ( $Beta = 0/026$ ) و پیوستگی دینی نیز رابطه معناداری را نشان نداده‌اند و رد شده‌اند. در کل، با وارد کردن متغیر کنترلی روابط خانوادگی تأثیر سایر متغیرها پایین آمده است و از بین ۶ متغیر وارد شده، ۴ متغیر باور دینی و مشارکت دینی و همالان بزهکار و روابط خانوادگی رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته دارند، از بین این ۴ متغیر مستقل، ۳ متغیر باور دینی و مشارکت دینی و روابط خانوادگی رابطه‌ای معکوس دارند و متغیر همالان بزهکار رابطه‌ای مستقیم دارند که این جهت رابطه به تأیید فرضیه‌های تحقیق می‌انجامد.

## ۲.۷ مدل معادلات ساختاری با استفاده از لیزرل

تبیین گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی در شکل زیر آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶. مدل معادلات ساختاری تبیین گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی

جدول ۳. مقادیر شاخص‌های مدل معادلات ساختاری تبیین گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی

مقادیر شاخص‌ها	مقادیر قابل قبول شاخص‌ها	شاخص‌های برازش مدل
۴۹۲/۰۲	-	Chi-Square
۱/۶۰	Chi-Square/df $\leq 3$	Chi-Square /df
۰/۹۱	GFI $> 0/90$	Goodness of fit index
۰/۹۰	AGFI $> 0/90$	Adjusted Goodness of Fit Index
۰/۰۴۰	$0/08 \leq RMSEA$	Approximation Root Mean Square Error of

مدل‌یابی معادلات ساختاری روش تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری است و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهش‌گر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به‌گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌یابی معادلات ساختاری رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون است (عبدالملکی و رشیدی، ۱۳۹۱: ۲). لازم به توضیح است که مدل فوق به رابطه بین دین‌داری و گرایش به فرار و متغیرهای کنترلی می‌پردازد.

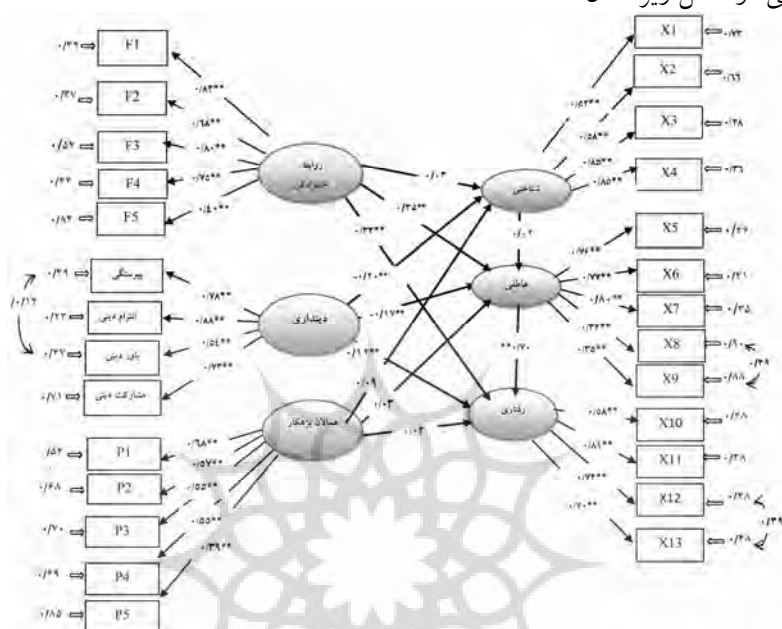
دین‌داری، با چهار بعد پیوستگی و التزام و باور و مشارکت، و گرایش به فرار با سه بعد شناختی و عاطفی و رفتاری سنجش و ارزیابی شده است. این رابطه با ضریب  $-0/29$  در سطح  $0/99$  معنادار است. هم‌چنان که در مدل فوق مشاهده می‌شود، ابعاد پیوستگی و التزام از سازه پیوند دینی و ابعاد عاطفی و رفتاری از سازه گرایش به فرار بیشترین بار عاملی را دارند که نشان می‌دهد بخش زیادی از واریانس این شاخص‌ها توسط سازه مکنون به حساب آمده است. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار بالا منعکس شده است. شاخص RMSEA «میانگین مجذور خطاهای مدل» است و براساس خطاهای مدل ساخته می‌شود. زمانی که مقدار این آماره کمتر از  $0/05$  باشد، نشان می‌دهد که این مدل از برازش خوبی برخوردار است و در صورتی که بین  $0/05$  تا  $0/08$  باشد، برازش قابل قبول اگر بین  $0/08$  تا  $0/1$  باشد، برازش متوسط و اگر بزرگ‌تر از  $0/1$  باشد، برازش ضعیف است در مدل این تحقیق مقدار RMSEA به دست آمده  $(0/09)$  حاکی از برازش متوسط است.

شاخص (Goodness of Fit Index/ GFI) مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند. دامنه تغییرات این شاخص بین صفر و یک است. از آنجایی که اغلب نسبت به سایر مشخصه‌های برازندگی بزرگ‌تر است، برخی از پژوهش‌گران نقطه برش  $0/95$  را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. بر پایه قرارداد، مقدار آن باید برابر یا بزرگ‌تر از  $0/90$  باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود. مقدار این شاخص در این مدل برابر  $0/93$  است و مقدار AGFI باید بالای  $0/90$  باشد که در این مدل برابر  $0/90$  است و همه این شاخص‌ها نشان از برازش بسیار خوب این مدل دارند (همان:  $145$ ). در این مدل، با وارد کردن متغیر روابط خانوادگی و همالان بزهکار، میزان رابطه سازه دین‌داری و گرایش به فرار که معادل  $0/45$  بوده به  $0/29$  کاهش یافته است. میزان رابطه روابط خانوادگی با گرایش به فرار حدود  $0/48$  و همالان بزهکار  $0/02$  است.

میزان تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار از منزل نشان‌دهنده رابطه معکوس این دو متغیر است؛ یعنی کاهش میزان دین‌داری در افراد موجب افزایش میزان گرایش به فرار در آنان می‌شود که این مطابق با فرضیه اصلی تحقیق است.

بین دو متغیر روابط خانوادگی و همالان بزهکار نیز رابطه معناداری با ضریب  $-0/32$  با سطح معناداری  $0/99$  وجود داشته است. متغیر همالان بزهکار هرچند که بر گرایش به فرار رابطه معناداری را نشان نداده است، بین این متغیر با متغیر دین‌داری رابطه متقابل معکوس با ضریب  $-0/36$  وجود دارد و ضریب تأثیر دو متغیر روابط خانوادگی و دین‌داری نیز  $0/32$  است.

تیین ابعاد گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۷. مدل معادلات ساختاری تییین ابعاد گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی

جدول ۴. مقادیر شاخص‌های مدل معادلات ساختاری تییین ابعاد گرایش به فرار براساس متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و متغیرهای کنترلی

شاخص‌های برازش مدل	مقادیر قابل قبول شاخص‌ها	مقادیر شاخص‌ها
Chi-Square		۴۹۲/۰۲
Chi-Square /df	Chi-Square/df ≤ ۳	۱/۶۰
Goodness of fit index	GFI > ۰/۹۰	۰/۹۱
Adjusted Goodness of Fit Index	AGFI > ۰/۹۰	۰/۹۰
Root Mean Square Error of Approximation	RMSEA ≤ ۰/۰۸	۰/۰۴۰

در مدل فوق، علاوه بر سازه دین‌داری، روابط خانوادگی و همالان بزهکار نیز در ارتباط با هر سه بعد سازه گرایش به فرار از منزل قرار گرفتند. سازه دین‌داری با هر سه بعد و سازه روابط خانوادگی با دو بعد عاطفی و رفتاری گرایش به فرار رابطه معناداری را نشان داده

است، ولی سازه همالان بزهکار با هیچ‌کدام از ابعاد رابطه معناداری را نشان نداده است. با واردکردن متغیرهای کنترلی تأثیر دین‌داری در بعد شناختی بیش از دیگر ابعاد است، در حالی که قبل از واردکردن متغیرهای کنترلی بیشترین تأثیر در بعد عاطفی بوده است. در بین ابعاد گرایش به فرار نیز بعد شناختی هیچ تأثیری در بعد عاطفی نداشته، ولی ضریب تأثیر بعد عاطفی در رفتاری ۰/۷۰ درصد بوده است که نشان از تأثیر بالای بعد عاطفی در بعد رفتاری روابط و نیز ضریب تأثیر ابعاد، چه قبل از واردکردن متغیرهای کنترلی و چه بعد آن، ثابت بوده و تغییری نکرده است.

## ۸. نتیجه‌گیری

رفتارهای انحرافی نوجوانان مسئله‌ای اجتماعی است که در سراسر کشور به رسمیت شناخته شده است. فرار دختران از منزل نیز رفتاری انحرافی است که امروزه در اکثر کشورهای جهان به یک معضل اجتماعی جدی تبدیل شده است. در ایران، فرار از خانه با توجه به هنجارها و ارزش‌های دینی و خانوادگی و اجتماعی آسیب اجتماعی به‌شمار می‌رود. آمار و ارقام و اخبار جرایم و مطبوعات از روند روبه رشد این آسیب اجتماعی و کاهش میانگین سنی دختران فراری و ظهور پیامدهای ناگوار آن حکایت می‌کند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱۱). مداخلات و اقدامات رایج در جلوگیری و کاهش آن هنوز به‌صورت غیرمستقیم و فراگیر و بسیار کلی‌نگر است. عامل مهم استراتژی‌های مداخله‌ای حاضر برای کاهش بزهکاری نوجوانان پرداختن به امور و عقاید مذهبی است. گمان می‌رود که در ایران محیط اجتماعی فرهنگی به‌گونه‌ای است که کنترل اجتماعی تقریباً مناسبی توسط دین بر جوانان و نوجوانان اعمال می‌شود. سنت‌های تأییدکننده و عظیم مذهبی عواملی هستند که جهت جلوگیری از رفتارهای بزهکارانه جوانان به‌کار می‌روند و در مکان‌هایی که عوامل مذکور نفوذ خود را بر افراد از دست می‌دهند، کنترل اجتماعی ضعیف می‌شود و این ممکن است منجر به رفتارهای انحرافی شود.

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، ۷۳ درصد (۲۷۳ نفر) از پاسخ‌گویان گرایش متوسط و بالایی به فرار از منزل داشته‌اند که این میزان در بین سه مقطع تحصیلی تفاوت معناداری را از خود نشان نداده و بیشترین گرایش در بعد عاطفی و سپس رفتاری بوده و در بعد شناختی گرایش بسیار ضعیفی گزارش شده است.



نتایج تحلیل رگرسیونی فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر رابطه معکوس بین دین‌داری و گرایش به فرار را تأیید کرد و در ارتباط با متغیرهای مستخرج از نظریه هیرشی نشان می‌دهد که برخلاف فرضیه اول و دوم تحقیق، که بین دو متغیر پیوستگی دینی و التزام دینی با گرایش به فرار از منزل رابطه معناداری وجود ندارد، دو متغیر دیگر، یعنی مشارکت دینی و باور دینی، با گرایش به فرار رابطه معناداری را نشان داده‌اند و جهت رابطه معکوس بوده است که این در جهت تأیید فرضیه‌های تحقیق است.

در این‌جا باید افزود که هیرشی، در مورد پیوستگی، بیشتر بر روابط عاطفی بین والدین و فرزندان تأکید داشته و احتمالاً به این علت است که پیوستگی دینی رابطه معناداری را در کاهش گرایش به فرار از منزل نشان نداده است و علت دیگر آن ممکن است به ویژگی‌های نمونه مورد بررسی برگردد؛ چرا که پژوهش‌های قبلی، در مورد تأثیر دین‌داری در بزهکاری، در نمونه‌های بسیار زیاد و اکثراً جنس مخالف بوده است و مطالعه‌ای که Cochran و همکاران (۱۹۹۸) در مورد تأثیر دین‌داری در روابط جنسی انجام داده‌اند نشان داد که تأثیر دین‌داری در گروه‌های مختلف متفاوت است. در نهایت، می‌توان علت آن را به تأثیر بالای متغیرهای کنترلی نیز نسبت داد که با واردکردن این متغیر پیوستگی دینی معناداری خود را از دست داده است. درباره معنادار نبودن متغیر التزام دینی باید گفت که دختران دبیرستانی در شرایطی به سر می‌برند که سرمایه‌گذاری کمی دارند و چندان نگران از دست دادن یا در پی حفظ سرمایه خود نیستند. بنابراین، در این شرایط، التزام دینی تأثیر چندانی در تصمیم‌گیری آنان ندارد. علاوه بر این، بسیاری از افراد فرار از منزل را مغایر با اعتقادات دینی خود نمی‌دانند که ترس از دست دادن سرمایه خود را داشته باشند. در نتیجه، این بعد از دین‌داری با سازه گرایش به فرار از منزل رابطه معناداری را نشان نداده و این فرضیه تأیید نشده است. درباره معنادار نبودن متغیرهای پیوستگی دینی و التزام دینی می‌توان آن را همسو با کار کسانی چون Grasmick و همکاران (۱۹۹۲) دانست که بیان کردند برخی از جنبه‌های مذهب مانع ارتکاب برخی از رفتارهای انحرافی در شرایط خاص می‌شود، هم‌چنین کسانی چون Elifson (۱۹۹۳)، Warren and Burkett (۱۹۸۷) و Bahrand Macghan (۱۹۹۳) اظهار کردند که رابطه بین دین‌داری و بزهکاری پس از کنترل متغیرهایی چون خانواده و همالان، از نظر آماری، نامعلوم بوده است.

براساس یافته‌های این پژوهش، رابطه معکوس و معنادار بین متغیر مشارکت دینی و میزان گرایش به فرار از منزل وجود داشته است. به عبارت دیگر، به موازات افزایش

مشارکت افراد در امور مذهبی، میزان گرایش به فرار از منزل در آنان کاهش می‌یابد. وقت و انرژی محدود است، بنابراین کسی که اغلب به کار و سرگرمی سالم یا فعالیت‌های مذهبی مشغول است فرصت کمی دارد که در اعمال انحرافی مشارکت جوید. این به معنای حضور نداشتن افراد شاغل در جمعیت بزهکار نیست، بلکه احتمال حضور چنین افرادی از افراد غیر مشغول کمتر است. اما کسانی که بیکارند یا در فعالیت‌های مرسوم دیگر مشغول و سرگرم نیستند، فرصت بیشتری برای انحراف دارند و این که مشغول بودن فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند. بین بیکاری و شدت بزهکاری همبستگی وجود دارد، بنابراین مشارکت نداشتن در امور مذهبی میان دختران یا کاهش این مشارکت‌ها زنگ خطری است که باید در قبال آن حساس و هوشیار بود؛ زیرا احتمال درگیری آنان را در اعمال انحرافی، همچون تمایل به فرار، افزایش می‌دهد. طبق تئوری هیرشی، نتایج داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشغولیت فرد در فعالیت‌های مذهبی، چون نماز خواندن و قرآن خواندن و یا شرکت در کلاس‌های توسل، سبب می‌شود که فرد زمان کمتری برای انجام دادن رفتارهای انحرافی یا حتی فکر کردن به آن را داشته باشد. در کل، بین مشارکت نکردن در فعالیت‌های مذهبی و افزایش گرایش به فرار از منزل همبستگی وجود دارد و هرچه فرد در فعالیت‌های مذهبی مشارکت بیشتری داشته باشد، میزان گرایش به فرار در وی کمتر است و این فرضیه تأیید شده است.

رابطه متغیر باور دینی نیز معنادار بوده است. وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه باعث دور شدن از مشارکت در امور انحرافی می‌شود. «باور» در نظریه هیرشی اشاره دارد به میزان اعتباری که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است. فروپاشی باورها نخستین مرحله وقوع جرایم و جنایت‌هاست؛ زیرا باورها، به مثابه نیرو و اهرم مهار درونی افراد که بازتاب اجتماعی هم دارد، وقتی قدرت و مؤثر بودن خود را از دست دهد، در آن هنگام افراد بی‌باور و فاقد هویت راه هرگونه عملی را برای خود مجاز می‌دانند. اگر جوانان باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی و غلط است، مشارکت‌جستن در آن‌ها دور از تصور است. برخلاف آن، جوانانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده بگیرند و از هنجارهای اجتماعی به انحراف روند. در تحقیق پیش رو نیز فرضیه‌ای که مبتنی بر وجود رابطه معکوس و معنادار بین باور دینی و گرایش به فرار از منزل بوده است مورد تأیید قرار گرفت که با افزایش میزان باور دینی در افراد از گرایش آنان به فرار از منزل کاسته می‌شود

و این در راستای نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش‌های پیشین است. در تحقیقی هم که علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، در مورد گرایش به فرار در تهران، انجام دادند به این نتیجه رسیدند که «باور» بیشترین تأثیر را در گرایش به فرار از منزل داشته است و بیان کردند که میزان باور افراد با میزان گرایش به فرار در آن‌ها مرتبط است. هنگامی که افراد دارای باور یا اعتقاد بالایی باشند، تمایل و میزان گرایش آن‌ها برای اعمال منحرف پایین‌تر است. در این حالت، اعتقادات افراد مانع از انجام‌دادن برخی از اعمال منحرف و عاملی برای پیروی و احترام به قوانین و هنجارهاست.

مدل معادلات ساختاری نیز، که از طریق نرم‌افزار لیزرل در مورد تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار از منزل در نمونه مورد بررسی به‌دست آمده، گواه بر این است که تأثیر دین‌داری در گرایش به فرار از منزل ۰/۲۹- است که رابطه معکوس این دو متغیر را نشان می‌دهد؛ یعنی کاهش میزان دین‌داری در افراد باعث افزایش میزان گرایش به فرار در آنان می‌شود. مقدار P\_Value و GFI و NFI به‌دست‌آمده نشان‌دهنده برازش خیلی خوب این مدل است.

تحقیقات قبلی بر این ایده تمرکز کرده‌اند که جوانان مذهبی و غیرمذهبی به‌لحاظ میزان رفتارهای انحرافی با هم متفاوت‌اند؛ زیرا از لحاظ در معرض رفتارهای انحرافی بودن و تأثیرپذیری از رفتارهای انحرافی همالان با هم تفاوت دارند. در زمینه تأثیر مذهب، Morris and Jahson (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند که دین‌داری تأثیر استرس‌زای مسائل مدرسه بر بزهکاری‌های دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. Wills و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که تأثیر استرس بر مصرف مواد در میان نوجوانان، با بالارفتن سطح دین‌داری، کاهش پیدا می‌کند. Pearce و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که انجام‌دادن تکالیف دینی و قبول خود به‌مثابه دین‌دار، تأثیرات در معرض خشونت بودن و قربانی‌کردن بزهکار را کاهش می‌دهد. Jahson and Jang (۲۰۰۱) مفروض داشتند که مذهب می‌تواند تأثیر محلات ناامن را در سوءمصرف مواد در میان نوجوانان کاهش دهد. تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که دین‌داری یک عامل حمایتی برای نوجوانانی است که در محلات ناامن زندگی می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق در جهت تأیید تحقیقات قبلی بوده است. هم‌چنین افرادی چون Heaton (۱۹۸۶) و Camburn and Torton (۱۹۸۹) تأکید کرده‌اند که مذهب برای بسیاری از افراد منبع ممنوعیت‌های اخلاقی محسوب می‌شود و هم‌چنین کسانی چون

Cochran و همکاران (۱۹۹۴) به تأثیر مذهب در مواردی چون تجاوز و استفاده از مواد مخدر و فرار از منزل اشاره کرده‌اند.

در کل، در رابطه با تأثیر مذهب در گرایش به فرار باید گفت مذهب می‌تواند به‌منزله یک عامل حمایتی تأثیرپذیری جوانان را از رفتارهایی چون فرار از منزل کاهش دهد. مشکلات بسیاری دختران را در سن نوجوانی و جوانی تهدید می‌کند؛ اعم از مشکل روحی بر اثر از دست دادن عزیزان و دوستان یا شرایط نامناسب زندگی، مشکل فیزیکی، مشکلات مالی. از آنجایی که بیشتر فرارها بر اثر مواجهه با موقعیت‌های ناراحت‌کننده و شکست‌زا اتفاق می‌افتد، دین می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. اگر باورهای دینی به نحو احسن در افراد نهادینه شده باشد، تحمل سختی‌ها و مشکلات را برای فرد نوجوان آسان می‌کند و وی کمتر به راه‌حل‌های آسیب‌زایی چون فرار از خانه فکر می‌کند. هم‌چنین این اعتقادات دینی از طریق واسطه‌هایی چون مشارکت‌های مذهبی تقویت می‌شوند که موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی در افراد و درک و ضرورت رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی می‌شود و این می‌تواند انگیزه فرار را در افراد کاهش دهد و هم‌چنین با درگیری در فعالیت‌های دینی نه تنها فرد فرصت و زمان کافی برای فکرکردن به فرار، بلکه هیچ رفتار انحرافی دیگری را ندارد.

## منابع

- افراسیابی، حسین و نرگس عرب‌مقدم (۱۳۹۰). «مطالعه عوامل مرتبط با گرایش نوجوانان به فرار از منزل»، *دانش انتظامی*، ش ۲.
- خدایاری فرد، محمد، احمد به‌پژوه، و غلامعلی افروز (۱۳۸۷). «آماده‌سازی مقیاس سنجش دین‌داری در جامعه دانشجویی کشور»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳.
- دواس دی. ای. (۱۳۸۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایینی، تهران: نشر نی.
- زمانی، زهرا، سوسن کباری، و حبیب آقابخشی (۱۳۹۱). «رابطه اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران از منزل»، *پژوهش اجتماعی*، ش ۱۴.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۱). *آسیب‌های اجتماعی (نوپدید) با تأکید بر تئوری‌های زیربنایی و راه‌کارهای مقابله‌ای*، تهران: آوای نور.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی، مشهد: مرندیز.*
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). *دین‌داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.*

- عبدالملکی، جمال و زهرا رشیدی (۱۳۹۱). لیزرل به زبان ساده (مدل‌یابی معادلات ساختاری)، تهران: جامعه‌شناسان.
- علیخواه، فردین (۱۳۸۳). *سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- علیوردی‌نیا، اکبر، غلامرضا خوشفر، و حمیده اسدی (۱۳۹۰). «مطالعه جامعه‌شناسی گرایش دختران دانش‌آموز به فرار از منزل»، *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ش ۲.
- فتحی، منصور (۱۳۸۷). «عوامل خانوادگی مؤثر در فرار دختران از خانه»، *رفاه اجتماعی*، ش ۴.
- کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۸). *سنجه‌های دین‌داری در ایران*، تهران: جامعه و فرهنگ.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴). *روان‌شناسی شخصیت*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- موسوی میرک، فاطمه (۱۳۸۳). «زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش به بزه در شهر اراک»، *فصل‌نامه تخصصی جامعه‌شناسی*، ش ۱.

- Allen, Thomas M. and C. Iocelia (۲۰۱۰). "Religiosity, Spirituality and Substance Abuse", *Jornal of Drug Issues*, Vol. ۴۰.
- Arthur, Patricia J. and Waugh Regina (۲۰۰۹). "Status Offenses and the Juvenile Justice and Delinquency Prevention Act The Exception that Swallowed the Rule", *Journal for Social Justice*, Vol. ۷.
- Bahr, S. and S. Macghan (۱۹۹۲). "Family, Religiosity and the Risk of Adolescent Drug Use", *Journal Of Marriage and the Family*, Vol. ۶۰.
- Bahr, Stephen J., Rick D. Hawks, and Wang Gabe (۲۰۰۷). "Family and Religious Influences on Adolescent Substance Abuse", *Yong & Society*, Vol. ۲۴.
- Burkett, S. and B. Warren (۱۹۸۷). "Religiosity, Peer Associations and Adolescent Marijuana Use: A Panel Study of Underlying Causal Structure", *Criminology*, Vol. ۲۵.
- Button Tanya, M., John K. Hewitt, H. Rhee Soo, P. Corley Robin, and Michael C. Stallings (۲۰۱۱). "The Moderating Effect of Religiosity on the Genetic Variance of Problem Alcohol Use, Alcoholism: Clinical and Experimental Research", *National Institutes of Health*, Vol. ۳۴.
- Cam, Taner (۲۰۱۰). "Explaining Marijuana Use Among Turkish Juveniles: A Test of Hirschi, s Social Bonding Theory", *Dissertation Prepared for The Degree of Doctor of Ph.D, University Of North Texas*.
- Campbell, A. (۱۹۸۷). "Self-Reported Delinquency and Home Life: Evidence from a Sample of British Girls", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۱۶.
- Canetti, Daphna (۲۰۰۴). "The Effect of Religiosity on Endorsemen of Democratic Values: The Mediating Influence of Authorit Arianism", *Political Behavior*, Vol. ۲۶.
- Canter, Rachele J. (۱۹۸۲). "Family Correlates of Male and Female Delinquency", *Criminology*, Vol. ۲۰.

- Cauce, Mari, Matthew Paradise, Joshua Aron Ginzler, Charles J. Morgan, Yvette Lohr, and Jim Theofelis (۲۰۰۰). "The Characteristics and Mental Health of Homeless Adolescents: Age and Gender Differences", *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, Vol. ۸.
- Cernkovich, S. A. and P. C. Giordano (۱۹۸۷). "Family Relationships and Delinquency", *Criminology*, Vol. ۲۵.
- Chapple, Constance L., Julia A. McQuillan, and Terceira A. Berdahl (۲۰۰۴). "Gender, Social Bonds, And Delinquency: A Comparison Of Boys' And Girls' Model", *Social Science Research*, Vol. ۳۴.
- Cochran, J., P. Wood, and B. Arneklev (۱۹۹۴). "Is the Religiosity-Delinquency Relationship Spurious?: A Test of Arousal and Social Control Theories", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. ۳۱.
- Courtney, Mark E. and Andrew Zinn (۲۰۰۹). "Predictors of Running Away from Out-of-Home Care", *Children and Youth Services Review*, Vol. ۳۱.
- Desmond, Scott A., B. Soper, E. Sarah, and R. Kraus (۲۰۱۱). "Religiosity, Peers and Delinquency: Does Religiosity Reduse the Effect of Peers on Delinquency", *Sociological Spectrum*, Vol. ۳۱.
- Edlund, M., K. Harris, H. Koenig, X. Han, G. Sullivan, R. Mattox, and L. Tang (۲۰۱۰). "Religiosity and Decreased Risk of Substance Use Disorders: is the Effect Mediated by Social Support or Mental Health Status", *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, Vol. ۴۵.
- Elifson, K., D. Petersen, and C. Hadaway (۱۹۸۳). "Religiosity and Delinquency", *Criminology*, Vol. ۱۹.
- Figuera-McDonough, J. (۱۹۸۷). "Discrimination or Sex Difference? Criteria for Evaluating The Juvenile Justice System's Handling of Minor Offences", *Crime and Delinquency*, Vol. ۳۲.
- Grasmick, H., K. Kinsey, and J. Oehran (۱۹۹۱). "Denomination, Religiosity, and Compliance with the Law: A Study of Adults", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. ۳۰.
- Heaton, T. (۱۹۸۶). "How Does Religious Influence Fertility? The Case of Mormons", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. ۲۵.
- Heimer, K. (۱۹۹۵). "Gender, Race and The Pathways to Delinquency: an Interactionist Analysis", in J. Hagan and R. D. Peterson, *Crime and Inequality*, Stanford University Press, Chapter ۷.
- Hirschi, Travis (۱۹۶۹). *Causes of Delinquency*, The Regents of the University of California, Reprinted by Permission of the University of California Press.
- Jang, S. and R. Johnson (۲۰۰۱). "Neighborhood Disorder, Individual Religiosity and Adolescent Use of Illicit Drugs: A Test of Multilevel Hypotheses", *Criminology*, Vol. ۳۹.
- Jeynes, W. H. (۲۰۰۳). "The Effects of Religious Commitment on The Attitudes and Behavior of Teens Regarding Premarital Childbirth", *Journal Of Health and Social Policy*, Vol. ۱۷.
- Kim, Jeongah (۲۰۰۳). *Astructural Equation Model Analysis of The Effect of Religion on Adolescent Delinquenc Within an Elaborated Theoretical Model: The Relationship after*

- Considering*, Presented in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of the Ohio State University.
- Kobayashi, E. and M. Fukushima (۲۰۱۲). "Gender, Social Bond, and Academic Cheating in Japan", *Sociological Inquiry*, Vol. ۸۲.
- Korn, L., and G. Zukerman (۲۰۱۱). "Affective and Behavioral Changes Following Exposure to Traumatic Events: The Moderating Effect of Religiosity on Avoidance Behavior Among Students Studying Under a High Level of Terror Event Exposure", *Journal of Religion and Health*, Vol. ۵۰.
- Kurtz, David P., Elizabeth W. Lindsey, S. Jarvis, and L. Nackerud (۲۰۰۰). "How Runaway and Homeless Youth Navigate Troubled Waters: The Role of Formal and Informal Helpers", *Child and Adolescent Social Work Journal*, Vol. ۱۷.
- Jan Khong, L. (۲۰۰۹). "Runaway Youths in Singapore: Exploring Demographics, Motivations, and Environments", *Children and Youth Services Review*, Vol. ۳۱: ۱۲۵-۱۳۹.
- Laskorunsky, J. (۲۰۰۹). "Runaway Prevention Literature Review, Prepared for U.S. Department of Justice Office and Delinquency Prevention", *Development Services Group, Office* ۸۱۰.
- Meltzer, H., T. Ford, P. Bebbington, And P. Vostanis (۲۰۱۲). "Children Who Run Away from Home: Risks for Suicidal Behavior and Substance Misuse", *Journal of Adolescent Health*, Vol. ۵۱.
- Mencken, C., Christopher D. Bader, and J. Kim (۲۰۰۹). "Round Trip to Hell in A Flying Saucer: The Relationship Between Conventional Christian and Paranormal Beliefs in the United States", *Sociology Of Religion*, Vol. ۷۰.
- Michael, A. C. (۲۰۰۳). "Religion and Social Control: An Application of a Modified Social Bond on Violence", *Criminal Justice Review*, Vol. ۲۸.
- Ozbay, O. and Y. Z. Ozcan (۲۰۰۶). "A Test Of Hirschi's Social Bonding: Theory Juvenile Delinquency in the High Schools of Ankara", *Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. ۵۰.
- Pearce, M. J., M. J. Stephanie, E. S. Mary, and R. Vladislav (۲۰۰۳). "The Protective Effects of Religiousness and Parent Involvement on the Development of Conduct Problems Among Youth Exposed to Violence", *Child Development*, Vol. ۷۴.
- Peled, E. and A. Cohavi (۲۰۰۹). "The Meaning of Running Away for Girls", *Child Abuse & Neglect*, Vol. ۳۳.
- Plass, Peggy S. and G. T. Hotaling (۱۹۹۵). "The Intergenerational Transmission of Running Away: Childhood Experiences of The Parents of Runaways", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۲۴.
- Raval, Vaishali V., Pratiksha H. Raval, and P. Raj Stacey (۲۰۱۰). "Damned if They Flee, Doomed if They Don't: Narratives of Runaway Adolescent Females from Rural India", *Journal of Family Violence*, Vol. ۲۵.
- Siegel, Larry J. (۲۰۱۰). *Criminology (Theories, Patterns, and Typologies)*, Tenth Edition, USA: Wadsworth.

- Sigfusdottir, D., L. Kristjansson, and R. Agnew (۲۰۱۲). "A Comparative Analysis of General Strain Theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol. ۴۰.
- Smith, D. and P. Raymond (۱۹۸۷). "The Gender Gap in Theories of Deviance: Issues and Evidence", *Journal of Research on Crime and Delinquency*, Vol. ۲۴.
- Stackman, R. (۲۰۱۱). *Testing General Strain Theory on Female Inmates: A Comparison of Two Measures of Negative Emotion*, Proquest Dissertations and Theses, Howard University, Supervisor: Charles B. Adams, Department of Sociology and Anthropology.
- Steinhart, D. J. (۱۹۹۶). "Status Offenses", *The Future of Children The Juvenile court*, Vol. ۶.
- Tannen, D. (۱۹۹۲). *You Just Don't Understand: Women and Men in Conversation*, London, Publication: Virago Press.
- Thornton, A. and D. Camburn (۱۹۸۹). "Religious Participation and Adolescent Sexual Behavior and Attitudes", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. ۵۱.
- Thrane, L. and X. Chen (۲۰۰۹). "Impact of Running Away on Girls Sexual Onset", *Journal of Adolescent Health*, Vol. ۴۶.
- Tiwari, A., N. Gulati, G. R. Sethi, M. Mehra (۲۰۰۲). "Department of Community Medicine, Maulana Azad Medical College", *Indian Journal of Pediatrics*, Vol. ۶۹.
- Tucker, J. S., E. M. Orlando, P. L. Ellickson, and D. J. Klein (۲۰۱۱). "Running Away from Home: A longitudinal Study of Adolescent Risk Factors and Young Adult Outcomes", *Journal of Youth Adolescence*, Vol. ۴۰.
- Tyler, K. A. and E. Bersani (۲۰۰۸). "A Longitudinal Study of Early Adolescent Precursors to Running Away", *Journal of Early Adolescence*, Vol. ۲۸.
- Tyler, K. A., K. J. Hageven, and L. A. Melander (۲۰۱۱). "Risk Factors for Runnin Away Among a General Population Sample of Males and Famales", *Youth & Society*, Vol. ۴۳.
- Ulmer, T. and S. A. Desmond (۲۰۱۲). "Religious Involvement and Dynamics of Marijuana Use: Initiation, Persistence, and Desistence", *Deviant Behavior*, Vol. ۳۳.
- Van Rossum, Jacques H. A. (۱۹۹۶). "Why Children Play: American Versus Dutch Boys and Girls, in Masculinity and Femininity: The Taboo Dimension of National Cultures", *International Play Journal*, Vol. ۴.
- Waller, W. and R. Sanchez (۲۰۱۱). "The Association Between Same-Sex Romantic Attractions and Relationships and Running Away Among a Nationally Representative Sample of Adolescents", *Child Adolescent Social Work Journal*, Vol. ۲۸.
- Wang, H., C. Wen, C. Lew-Ting, C. Chuan, and w. Chen (۲۰۱۰). "Running Away Experience and Psychoactive Substance Use Among Adolescents in Tawian: Multi-City Street Outreach Survey", *BMC (BioMed Central) Public Health*, Vol. ۱۰.
- Wills, T., M. Alison, and M. S. James (۲۰۰۳). "Buffering Effect of Religiosity for Adolescent Substance Abuse", *Psychology of Addictive Behaviors*, Vol. ۱۷.
- Witten, W. (۲۰۰۶). *Religion and Delinquency in the Context of Race and place*, of for the Degree of Master of Arts, Graduate School of The University of Maryland, College Park.



اکبر علیوردی‌نیا و دیگران ۱۱۵

Yoder, K. A., D. R. Hoyt, and L. B. Whitbeck (۱۹۹۸). "Suicidal Behavior Among Homeless and Runaway Adolescents", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۲۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی